



Principles Governing the Treatment of Victims of Armed Conflicts from the Perspective of Islam and International Humanitarian Law: With Emphasis on the Status of Prisoners of War and Detainees

Mostafa Fazaeli¹

Received: 04/08/2019; Accepted: 07/10/2020

Abstract

From the perspective of international humanitarian law (IHL), the main purpose of parties to an armed conflict shall be exclusively weakening the enemy's forces and repelling them out of the battlefield. Accordingly, several principles are formed aimed at controlling military activities, means and ways of war of the parties to the conflict and their treatment of the individuals and groups caught by the adversary. What has been accepted by international community after several centuries and has transformed the law of war into humanitarian law, has been reaffirmed by Islam from the beginning. Furthermore, in spite of some diversionary and extremist claims and conducts, there are some principles derivable from sources, tradition and transcendental teachings of Islam complying with which can play a transformational role in improving the status of war victims and preserving their human dignity and value. Reconsidering these principles, especially in the condition of the emergence of some extremist groups and violent behaviors of fighters attributing themselves to Islam, has become a new necessity. These principles include some common principles between Islam and IHL and certain principles specific to legal and ethical system of Islam. The present article undertakes the analysis and examination of common principles of Islam and IHL that indicates the influence of Islamic thoughts on the development of these principles. However, there are certain principles of conduct in Islam relative to protecting victims of armed conflicts that require another study.

Keywords: General Principles of Conduct, Victims of War, Armed Conflicts, Islam, International Humanitarian Law (IHL).

1. Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom;
Email: m.fazayeli@qom.qc.ir / fazaeli2007@gmail.com.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اصل حاکم بر رفتار قربانیان مخاصمات مسلحانه از نگاه اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه؛ با تأکید بر وضعیت زندانیان جنگی و بازداشت شدگان

تاریخ دریافت ۹۸/۰۵/۳۰ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۷/۱۶ مصطفی فضائلی^۱

چکیده

از نگاه حقوق بین الملل بشردوستانه، هدف هر یک از طرفین مخاصمه مسلحانه تنها باید تضعیف نیروهای دشمن و خارج کردن آنها از صحنه مبارزه باشد. بر این اساس، اصولی چند به منظور هدایت و کنترل اقدامات نظامی، شیوه‌ها و رفتارهای جنگی طرف‌های مخاصمه و چگونگی رفتار با افراد و گروه‌های گرفتار در دست دشمن، شکل گرفته است. آنچه در جامعه بین‌المللی، پس از گذشت قرن‌ها پذیرفته شده و حقوق جنگ را به حقوق بشردوستانه متحول ساخته، در اسلام از ابتدا مورد تأکید بوده و به‌رغم برخی ادعاها و رفتارهای انحرافی و افراطی، در منابع، سیره و آموزه‌های متعالی اسلام اصولی قابل استنباط است که پای‌بندی به آنها می‌تواند در بهبود وضعیت قربانیان جنگ و پاسداشت کرامت و ارزش انسانی آنان نقشی تحول‌آفرین داشته باشد. بازخوانی این اصول به‌ویژه در شرایط ظهور برخی گروه‌های افراطی و رفتارهای خشونت‌آمیز برخی جنگجویانی که خود را منتسب به اسلام معرفی می‌کنند، ضرورتی تازه یافته است. این اصول شامل اصول مشترک با حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصول خاص نظام حقوقی و اخلاقی اسلام است. پژوهش حاضر تحلیل و بررسی اصول مشترک در اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را عهده‌دار شده که خود نشان از نقش تعالیم اسلام در پیدایش و تحول اصول یادشده دارد؛ اما تبیین اصول رفتاری خاص اسلام در حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه، پژوهشی دیگر را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: اصول کلی رفتاری، قربانیان جنگ، مخاصمات مسلحانه، اسلام، حقوق بین‌الملل بشردوستانه.



۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم؛ رایانامه: m.fazayeli@qom.ac.ir

fazaeli2007@gmail.com



مقدمه

اساس شکل‌گیری اصول کلی حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه در این مفهوم مبنایی نهفته است که جنگ عبارت از وضعیت خصمانه میان دولت‌های طرف مخاصمه است و نه دشمنی میان افراد انسانی و اتباع دولت‌های درگیر جنگ (روسو، ۱۳۴۵: ۱۶-۱۷). بنابراین، هدف از جنگ نباید نابود کردن اتباع و شهروندان دشمن باشد، بلکه تنها سربازان او را مادام که در حال جنگیدن هستند می‌توان کشت؛ البته امروزه در نگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، با قطع نظر از مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ، هدف هر یک از طرفین مخاصمه مسلحانه تنها باید تضعیف نیروهای دشمن به منظور غلبه و پیروزی در جنگ باشد.^۲ براین اساس است که اصول متعددی در جهت هدایت و کنترل عملیات نظامی طرفین و رفتار جنگی آنها شکل گرفته است.

اشاره به این نکته شایسته است که از نگاه اسلام نیز اولاً، جنگ برای دفاع است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۶۱)^۳ و بنابراین هدف جنگ توقف تجاوز است و نه تحمیل عقیده یا توسعه طلبی (نک. زحیلی، ۲۰۰۵، ۲۸۰-۲۷۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۳۶)؛ ثانیاً اسلام هرگز با ملت‌ها نمی‌جنگد، بلکه مبارزه اسلام با سران قدرت‌های

۱. برای نخستین بار در سال ۱۸۶۸ میلادی در مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ اعلام شد که: «تنها هدف مشروع جنگ تضعیف نیروهای مسلح دشمن است.»

۲. امام خمینی: ما با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد، اما اگر جنگ را تحمیل کنند قاطعانه دفاع خواهیم کرد. (موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۶۱).

۳. آیات فراوانی از قرآن دلالت دارد براین که جنگ تنها برای دفع و رفع تجاوز مجاز است، مانند: (بقره ۲): ۱۹۰ تا ۱۹۴؛ نساء (۴): ۹۱، ۹۴؛ انفال (۸): ۶۱؛ حج (۲۲): ۳۹، ۴۰. در سنت و سیره پیشوایان راستین اسلام نیز همواره بر عدم پیش‌دستی در جنگ توصیه و تاکید شده است و به نظر اکثر حقوق‌دانان مسلمان انگیزه جنگ پاسخ به یک حمله و تجاوز است. نک. (زحیلی، ۲۰۰۵، ۲۷۷-۲۸۰؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۳۶).





متجاوز و ستمگر و با نظام‌های سلطه‌گر و تجاوزپیشه است. این به آن معناست که افراد دشمن هدف نیستند، بلکه به آنان باید همچون سایر انسان‌ها نگریست و در راستای رسالت هدایت الهی باید به آنها نیز کمک کرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۴۷). از این روی، در منابع و سیره اسلامی از دیرباز علاوه بر اصولی که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه جدید به رسمیت شناخته شده، اصولی مرقی‌تر برخاسته از آموزه‌های متعالی اسلام قابل درک و شناسایی بوده که پای‌بندی به آن می‌تواند در بهبود وضعیت قربانیان جنگ و پاسداشت کرامت و ارزش انسانی آنان نقشی تحول آفرین داشته باشد. پژوهش حاضر عهده‌دار بررسی اصول مشترک در اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و فرضیه‌اش این است که، آنچه در تجربه جوامع بشری و جامعه بین‌المللی پس از قرن‌ها مطرح شد و منشا تحول حقوق جنگ به حقوق مخاصمات مسلحانه و سپس به حقوق بشردوستانه گردید، در اسلام از ابتدا مورد توجه بوده است و به رغم برخی افراط‌گرایی‌ها و کج فهمی‌های غیرقابل انتساب به این آئین رحمانی، تعالیم اسلام در باره جنگ از دیرباز بر رعایت اصول انسانی با ظرایف و لطایف خاص خود تأکید ورزیده و از آنجا که این اصول ریشه در باورهای دینی مسلمانان دارد، از پشتوانه اعتقادی و ضمانت‌اجرای درونی برخوردار است که موثرترین تضمین است. نگارنده طی پژوهش حاضر سعی داشته تا با روش توصیفی تحلیلی و به شیوه استنادی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به اثبات این دیدگاه بپردازد. اما تبیین اصول رفتاری خاص اسلام در حمایت از قربانیان جنگ پژوهشی دیگر را می‌طلبد.

۱. مفاهیم

۱-۱. قربانیان جنگ

به افراد یا گروه‌هایی که در شرایط مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا داخلی، حقوق و آزادی‌هایشان به نحو گسترده‌ای نقض شده یا در معرض نقض قرار می‌گیرد، قربانیان مخاصمه گفته می‌شود. نخستین معاهده راجع به حمایت از قربانیان نظامی جنگ در سال ۱۸۶۴ در یک کنفرانس دیپلماتیک در ژنو به ابتکار هنری دونان و میزبانی دولت سوئیس و مشارکت تقریباً همه دولت‌های آن زمان طراحی و امضا شد. در سال ۱۸۹۹ در لاهه،





حمایت بین‌المللی به مجروحان، بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا تعمیم یافت و در ۱۹۲۹ زندانیان جنگ نیز تحت حمایت حقوق ژنو قرار گرفتند. چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو که امروزه عملاً به واسطه پذیرش عمومی جامعه بین‌المللی حقیقتاً تبدیل به حقوق جهانی تبدیل شده‌اند هریک به حمایت از گروه خاصی از افرادی که در مخاصمات شرکت نداشته یا دیگر شرکت ندارند اختصاص یافته است (Gasser, 1993:3). به نحو مستفاد از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، قربانیان شامل گروه مجروحان و بیماران، اسیران و بازداشت شدگان و غیرنظامیان هستند. در پژوهش حاضر آن دسته از قربانیانی مورد نظر هستند که به دست دشمن گرفتار آمده یا تحت اقتدار و قلمرو صلاحیت طرف متخاصم واقع شده‌اند.

۱-۲. اصول رفتاری حاکم

نکته قابل توجه در این زمینه این است که منظور ما از اصول در اینجا، اصول کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مانند اصل تفکیک و اصل ضرورت که بر رفتار جنگی طرف‌های مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها و ابزار جنگی حکومت می‌کند، نیست؛ بلکه اصولی مورد نظر است که طرف مخاصمه باید در رفتار خود با نیروها یا افرادی از دشمن که تحت اسارت یا بازداشت او و یا به نحوی در اختیار و کنترل او قرار گرفته‌اند رعایت کند. به سخن دیگر همان‌گونه که از عنوان مقاله برمی‌آید، هدف این پژوهش تحلیل و بررسی اصولی است که هر یک از طرف‌های متخاصم باید در رفتار با قربانیان مخاصمه که به نحوی تحت اقتدار یا در قلمرو صلاحیت او قرار گرفته‌اند، رعایت کند. از سوی دیگر، اصول رفتاری یا اصول حمایتی مورد نظر نگارنده شامل مواردی است که مشترک میان اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. از این‌روی، اصول مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از: ۱- اصل مصونیت؛ ۲- اصل انسانیت؛ ۳- اصل رفتار انسانی؛ ۴- اصل منع اعمال تلافی‌جویانه و مقابله به مثل؛ ۵- اصل منع اعراض از حق. به باور نگارنده این سطور، در تعالیم اسلام علاوه بر اصول مشترک یادشده، اصول رفتاری ویژه و مترقیانه‌تری نیز وجود دارد که بررسی آن‌ها پژوهشی مستقل را می‌طلبد.





۲. اصل مصونیت

۲-۱. اصل مصونیت در حقوق بشر دوستانه

می توان گفت سنگ بنای همه پیشرفت های حقوقی که به شکل گیری مجموعه قواعد تنظیم کننده و بهبود دهنده وضعیت قربانیان مخاصمات مسلحانه به ویژه زندانیان جنگی انجامیده، اصل مصونیت رزمندگان بوده است. جوهر این قواعد و مقررات از شناسایی این اصل نشأت می گیرد که خشونت اعمال شده توسط سرباز رزمنده دشمن درواقع خشونت عمومی و دولتی بوده است و اگر مسئولیتی را موجب شود منتسب به دولت متبوع او خواهد بود، مادام که مغایر با قوانین و عرف های جنگی عمل نکرده باشد. سربازی که درگیر جنگ است، هرچند جنگ تجاوزکارانه یا به تعبیر تئوری سنتی جنگی غیرعادلانه، هرگز نباید برای این کار ملامت شود (Arneson, 2006:676-677)، مادام که عدالت در رفتار جنگی را رعایت کرده باشد.^۵

به بیان کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر رزمنده دارای مزایا و مصونیت است. امتیاز رزمنده در اصل عبارت از آزادی کشتن یا مجروح کردن سربازان دشمن و ازین بردن دیگر اهداف نظامی دشمن است. رزمنده ی قانونی که این امتیاز را دارد در صورت دستگیر یا تسلیم شدن از وضعیت اسیرجنگی برخوردار می گردد و از تعقیب کیفری طبق حقوق داخلی قدرت اسیرکننده، بخاطر اقدامات خصمانه اش که مغایر با قوانین و عرف های جنگی نبوده، مصون خواهد بود (Inter-Am. Comm'n H.R., 2002:68-70). زیرا با قطع نظر از مساله مشروعیت جنگ، انجام عملیات نظامی علیه اهداف نظامی دشمن با شیوه های مشروع جنگی مجاز شمرده می شود. به اسارت گرفتن دشمن تنها برای ممانعت از مشارکت در انجام عملیات نظامی بیشتر است. از این روی، شرایط اسیران باید متفاوت از شرایط

۱. در سنت جنگ عادلانه، عدالت در اقدام به جنگ یا انگیزه عدلانه برای جنگ موضوعی مستقل از عدالت در رفتار جنگی است. عدالت در رفتار جنگی قبل از هر چیز مستلزم احترام به مصونیت غیررزمندگان است. حق مصونیت غیررزمنده ایراد آسیب و صدمه بر غیررزمنده را چه به عنوان هدف مستقل و چه به عنوان وسیله برای هدفی دیگر، منع می کند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. Michael Walzer, Just and Unjust Wars, (1977), for an excellent contemporary statement of just war theory, pp.40-43.





محکومین و حتی متهمان باشد. به همین دلیل است که کنوانسیون سوم ژنو تنها در شرایط استثنایی اجازه بازداشت اسیر را در زندانها می‌دهد (فیشر، ۱۳۹۲: ۴۳۴). بنابراین، پذیرش اصل مصونیت نیروهای رزمنده‌ی دستگیر یا تسلیم شده‌ی دشمن، مبنای تعیین وضعیت اسیرجنگی و زمینه استحقاق بهره‌مندی از حمایت‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده است. با همین ملاک می‌توان اصل مصونیت را به غیرنظامیانی که برای تحقق حق تعیین سرنوشت خود در برابر اشغالگری خارجی، استعمار یا رژیم نژادپرست، مبارزه می‌کنند نیز، مادام که اقدامات آنها مغایر با قوانین و عرف‌های جنگی نباشد، تعمیم داد.

۲-۲. اصل مصونیت در نگاه اسلام

با تأمل در مبانی ارزشی و اصول و قواعد قابل استنباط از ادله و منابع حقوقی اسلام، چنین به نظر می‌رسد که اصل مصونیت غیرنظامیان و اسیران جنگی مورد پذیرش اسلام بوده است، هرچند ممکن است در نگاه اول تصور شود که چون مبارزه مسلمانان تنها برای دفع تجاوز دشمن است، طبعاً جنگجویان طرف مقابل متجاوز و ستمگرند و اگر دستگیر شوند باید با آنان به عنوان عاملان ظلم و تجاوزگری برخورد شود. اما ادله فراوانی که نه تنها اجازه کشتن اسیر را نداده بلکه بر وجوب حفاظت اسیر، اطعام و مقدم داشتن او بر خود در طعام، نیک رفتاری، احسان و محبت و عطف و ورزیدن نسبت به اسیران و بالاخره آزادسازی آنان از روی منت و رأفت و یا در ازای فدیة دلالت دارد،^۱ به خوبی نشان دهنده این معنا است که از نظر اسلام اسیر به صرف اسیر بودن مجرم شناخته نمی‌شود؛ چه این که درغیر این صورت، باید به جای توصیه به خوش رفتاری، محبت و احسان، دستور به

۱ برای نمونه می‌توان به آیاتی از قرآن کریم اشاره کرد مانند (انسان (۷۶): ۷، ۸) که اطعام اسیر را به عنوان یک امر پسندیده‌ی مورد رضای خدا یاد می‌کند و (انفال (۸): ۷۰) که از پیامبر می‌خواهد که اسیران جنگی که در دست مسلمانان هستند را دلداری داده و با وعده لطف و مغفرت الهی به آنان آرامش بخشد. همچنین روایات متعددی از سیره نبوی و علوی قابل اشاره است که از کشتن اسیر منع کرده و به وجوب اطعام، عطف و احسان نسبت به اسیران حکم کرده‌اند. نک.، (شیخ مفید، ۱۴۱۴-۱۴۴)، (طبری، بی‌تا: ۴۶۰)، (عاملی، ۱۴۲۶: ۴۵۸)، (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴۵۵)، (العالمی، ۱۴۲۶: ۶۸)، (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹: ۱۷۹).



محاکمه و مجازات اسرا داده می‌شد. بنابراین رفتارهای خشونت‌بار و سبانه گروه‌های افراطی و تکفیری تروریستی وهابی هیچ نسبتی با اسلام ندارد.

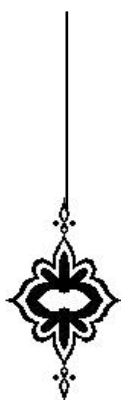
البته در میان دیدگاه‌های فقهی نظراتی وجود دارد مبنی بر جواز کشتن یا به بردگی گرفتن اسیر (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵۲۳-۴۹۴)، لیکن دیدگاه فقیهانی که سرنوشت اسیر را، مستند به آیه ۴ سوره محمد (ص)، منحصر به آزادسازی از روی مَنّت یا با اخذ فدیة می‌دانند، علاوه بر انطباق با قرآن کریم، با مبانی ارزشی و آموزه‌های عقلانی و منطقی اسلام سازگارتر می‌نماید، از این رو کشتن اسیر به صرف اسیر بودن می‌تواند مصداق «هرکس، انسانی را بدون این که مرتکب قتل یا فساد در روی زمین شده باشد بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته است»^۱ باشد؛ کما این که هدایت و تربیت آنها مصداق «هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است»^۲ محسوب می‌شود که رسالت اصلی دین به شمار می‌رود. بنابراین، مواردی که در سیره نبوی از قتل اسیر جنگی حکایت دارد باید حمل بر جهات و دلایلی خاص گردیده و استثناء تلقی شود.

۳. اصل انسانیت

۱-۳. اصل انسانیت در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

یکی از اصولی که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه از آن سخن رفته است و در مورد وضعیت و رفتار با غیرنظامیان، اسیران و بازداشت‌شدگان نیز می‌تواند تعیین‌کننده باشد، «اصل انسانیت»^۳ است. این اصل در شرط معروف مارتنز مندرج است، شرطی که در ماده (۲۳) کنوانسیون دوم لاهه ۱۸۹۹ و در مقدمه کنوانسیون چهارم لاهه (۱۹۰۷) آمده و مقرر می‌دارد در وضعیت‌هایی که مشمول مقررات پذیرفته شده بشردوستانه نیست، غیرنظامیان و مبارزان تحت حمایت و صلاحیت اصول حقوق بین‌الملل ناشی از «عرف‌های مسلم ملل

اصول حکم بر رفتار با قربانیان خدمات صلواتی از کادر اعلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ یادآور وضعیت نازیان، جنگی بازداشت‌شدگان



۱. «...مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...»، مانده ۳۲.

۲. «...وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...»، مانده ۳۲.



متمدن»^{۱۱} «قوانین انسانیت»^{۱۲} و «مقتضیات وجدان عمومی»^{۱۳} قرار دارند. در رویه پس از معاهدات لاهه، قوانین انسانیت با تعبیر «اصول انسانیت» مورد اشاره قرار گرفته است. به نظر قاضی شهاب الدین، در رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای (۸ جولای ۱۹۹۶)، به واقع شرط مارتنز مجوزی است برای این که «اصول انسانیت» و «احکام وجدان عمومی» به مثابه اصول حقوق بین‌الملل شناخته شوند (ICJ, 1996, paras.34-35)، اصول انسانیت چیزی متفاوت از «مرتکبات اولیه بشری»^{۱۴} نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو تعهدات آلبانی را بر برخی اصول کلی مسلم، یعنی «مرتکبات اولیه بشری» مبتنی دانست (ICJ, 1949, Para.22. پیش از این نیز دیوان داوری در پرونده نالیا (۱۹۲۸)، اصول انسانیت را برای محدود کردن قلمرو اقدامات تلافی جویانه‌ی مجاز به کار بسته بود (R.I.A.A., 1928:1013) طبق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه (ICJ., 1986, Para. 113-114)، که مورد استناد دبیرکل ملل متحد نیز قرار گرفته (GSUN, Rep., 1993)، قواعد مندرج در ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ بازتاب همان «مرتکبات اولیه بشری» است. ممنوعیت حمله به جمعیت و افراد غیرنظامی و اصلی که ابزار و روش‌های جنگی را محدود می‌کند، همان‌گونه که دیوان کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه مارتیچ اعلام کرده (ICTY, 1996, Para. 113) از مرتکبات نخستین بشری ناشی می‌شود، که بنیان حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تشکیل می‌دهد. اصول انسانیت یا مرتکبات نخستین بشری این استدلال را تقویت می‌کند که آنچه بموجب معاهده منع نشده است نمی‌تواند لزوماً قانونی باشد (Meron, 2000: 87)

می‌توان گفت «اصل انسانیت» به منزله یک اصل کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شرط حداقل استانداردهای رفتار را مقرر می‌دارد که در شرایط جنگی و خصوصاً نسبت به وضعیت‌هایی که مشمول مقررات معاهداتی و عرفی قرار نمی‌گیرند، اعمال می‌گردد. ماده

1. The usages established between civilized nations
2. The laws of humanity
3. The requirements of the public conscience
4. Elementary consideration of humanity





(۳) مشترک به اقتضای اصول انسانیت اعمال ذیل را در مورد اشخاصی که مستقیماً در جنگ شرکت نداشته یا کسانی که اسلحه بر زمین نهاده یا به سبب بیماری، جراحت یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند، ممنوع اعلام کرده است: لطمه به حیات و سلامت جسمانی؛ لطمه به شخصیت و حیثیت؛ گروگان گیری؛ محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی قانونی، مستقل، بی طرف و با رعایت تضمینات قضایی، و خودداری از مداوا و مراقبت پزشکی از زخم‌داران و بیماران. مفاد این گونه تعهدات امروزه به عنوان قواعد عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه شناخته شده است (Henckaerts, 2009:306-310). به طوری که ملاحظه می شود آنچه مستند به اصول انسانیت لازم شمرده می شود حداقل‌هایی است که هیچ انسان سلیم النفسی نمی تواند منکر آن باشد و اغلب شامل تعهدات سلبی است. ^{۱۵} این قبیل تعهدات سلبی ناشی از هدف اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه است که عبارت از محدود کردن رنج ناشی از جنگ و کاهش آلام آن است و قواعدش حاصل موازنه میان ضرورت‌های جنگی یا ضرورت نظامی از یک سو و قوانین بشری از سوی دیگر است (Gasser, 2005:10).

به سخن دیگر، انسانیت را می توان به مثابه اصلی تعریف کرد که تحمیل درد و جراحت یا تخریب غیرضروری برای نیل به یک هدف مشروع نظامی را منع می کند. بر این اساس، اصل انسانیت هدف حمله قراردادن رزمندگان دست از رزم کشیده به سبب جراحت شدید یا دستگیر یا تسلیم شده را منع می کند، همچنین اصل انسانیت منبع مصونیت غیرنظامیان از هدف حمله قرارگرفتن است (Preston, 2015:58-60). اصل انسانیت منشأ مجموعه‌ای از قواعد جنگی بوده و نیز برای تفسیر و اجرای قواعد جنگی نیز به کار گرفته می شود. ^{۱۶}

۱. از همین روست که گفته می شود به مقتضای اصل انسانیت به کارگیری سلاح‌ها و ابزار و مواد انفجاری و استفاده

از روش‌های جنگی که سبب ایراد جراحات شدید و درد و رنج غیر ضرور گردد ممنوع است. نک. E. David, "General Principles of International Humanitarian Law", in Antoine Bouvier, Introduction to International Humanitarian Law, Available at: www.law.scu.edu-content/uploads/SANTACLARA2015/PARTI.pdf

۲. سایر اصول و قواعد جنگی باید در پرتو اصل انسانیت تفسیر و اجرا شود. درحالی که ضرورت نظامی برخی اقدامات لازم را برای شکست با سرعت و تاثیر ممکن دشمن موجه می سازد، اما ضرورت نظامی نمی تواند اقدامات





همچنین محدودیت‌های خاصی را بر ابزار و روش‌های جنگی تحمیل می‌کند و ایجاب می‌کند که با کسانی که در دست دشمن گرفتار شده‌اند در همه اوقات با انسانیت رفتار شود (Melzer, 2016:18). از نظر نگارنده، وجه تمایز این اصل با اصل «رفتار انسانی» که در پی می‌آید، در این است که اصل یا اصول انسانیت منشأ تعهدات سلبی، بازدارنده و نهی‌کننده از اعمال خشونت و سوء رفتار است، درحالی که «اصل رفتار انسانی» اصلی متریقی‌تر بوده و منشأ تعهدات ایجابی و ناظر به حقوق رفاهی مادی و معنوی است. به سخن دیگر، مقتضای اصل انسانیت مجموعه‌ای از نبایدهاست در حالی که اصل رفتار انسانی منشأ باید‌هاست. هرچند می‌توان این دو را در هم ادغام کرده و با عنوان اصل انسانیت و رفتار انسانی مورد بحث قرار داد، لیکن با توجه به اهمیت چگونگی رفتار با قربانیان و نیز تمایز یادشده میان تعهدات سلبی و ایجابی، همچنین جایگاه متعالی‌تر اصل رفتار انسانی در اسلام در مقایسه با حقوق بین‌الملل، تفکیک این دو موجه و مرجح می‌نماید.

۲-۲. اصل انسانیت از نگاه اسلام

مبانی ارزشی و آموزه‌های اسلامی به خوبی ما را به اصل انسانیت در رفتارهای جنگی رهنمون می‌سازد. در آئینی که هدایت و نجات کل بشریت را از ظلمت جهل و نادانی و رهانیدن انسانها را از بند هرگونه اسارت و بندگی غیر خدا،^{۱۷} رسالت خود می‌داند و نجات هر یک از افراد بشر را معادل با نجات و حیات بخشیدن به کل بشریت می‌شمارد،^{۱۸} اصولاً

غیرضروری برای دستیابی به این هدف را توجیه کند. همچنین وقتی یک هدف نظامی حاصل شده باشد، دیگر تحمیل درد و رنج ضروری نیست و باید اجتناب شود. از این رو، موقعیت غیرتهاجمی و غیر مضر بودن افراد غیرنظامی و رزمندگانی که سلاح بر زمین نهاده و به سبب جراحت شدید، تسلیم یا دستگیر شدن دست از مبارزه کشیده‌اند، به این معناست که با حمله به آنها کمکی به هدف نظامی مشروع نمی‌شود. اصل انسانیت منشأ یک سری قواعد جنگی است مانند: حمایت‌های اساسی از اشخاصی که به دست دشمن افتاده‌اند؛ حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی؛ حمایت از پرسنل، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی و درمانی؛ منع کاربرد سلاح‌هایی که سبب ایراد جراحت فوق‌العاده شده و نیز منع کاربرد سلاح‌هایی که ذاتاً غیرتفکیکی عمل می‌کنند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک.: Stephen W. Preston, Department of Defense Law of War Manual, June 2015, pp.58-60.

Office of General Counsel Department of Defense, pp.58-60.

۱. اعراف (۷): ۳۴

۲. مائده (۵): ۳۲





توسل به زور و خشونت نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد، جز در صورت ضرورت. بدیهی است در مواردی هم که به حکم ضرورت از قوه قاهره استفاده می‌شود به حداقل ضرورت بسنده می‌شود و همواره «اصل انسانیت» اساس رفتار پیروان راستین این مکتب در رفتار با قربانیان جنگ خواهد بود.

در اسلام، همانطور که اشاره شد، هدف از جنگ نه توسعه طلبی و سلطه جویی^۱، نه کسب منافع مادی و غنیمت و برده گرفتن^۲ و نه تحمیل عقیده و دین است؛ بلکه هدف دفع ظلم و تجاوزی است که انسان‌هایی را اعم از مسلمان و غیرمسلمان در هر دو طرف محاصره قربانی خود می‌سازد. بدیهی است، با چنین نگاهی هرگز اعمال خشونت بیش از مقضای ضرورت و به کارگیری ابزار و روش‌های جنگی غیرمتعارف که سبب ایراد جراحت شدید و درد و رنج بیش از حد می‌شود اجازه داده نمی‌شود و در رفتار با قربانیان به ویژه اسیران و زندانیان جنگی برخوردهای خشونت‌آمیز، شکنجه و سایر رفتارهای سوء و غیرانسانی مجاز شمرده نمی‌شود. براساس همین آموزه‌های انسانی اسلام است که امام خمینی (ره) نه تنها به عنوان فقیهی چیره دست، به اصل انسانیت در برخورد با دشمن عقیده دارد، بلکه به عنوان امام و رهبر سیاسی جامعه، در عمل نیز هنگامی که دفاع مقدس در برابر جنگ تحمیلی ۸ ساله را فرماندهی می‌کند بر پای‌بندی به این اصول و ارزش‌ها پای می‌فشرد و از آنها به عنوان اصولی یاد می‌کند که «انسان به واسطه انسان بودنش می‌فهمد» و «آن چیزهایی که شرف انسان اقتضا می‌کند» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۴۷).

بنابراین، آنچه امروزه برخی حقوق‌دانان بین‌المللی در حوزه حقوق بشردوستانه می‌گویند مبنی بر این که براساس اصول انسانیت نمی‌توان گفت هر آنچه در مقررات معاهداتی منع نشده لزوماً مجاز است، از مبانی و اصول ارزشی اسلام به خوبی برمی‌آید که نمی‌توان گفت هر آنچه در ادله نقلی منع نشده است لزوماً مجاز است، بلکه برخی رفتارها

اصول حکم بر رفتار با قربانیان ضلالت سکولار را کاملاً اعلام و محقق بین‌الملل بشردوستانه، با تکیه بر وضعیت نادر انسان، بجای نادانانست‌شدگان



۱. قصص (۲۸): ۸۳؛ نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۳۱.

۲. نساء (۴): ۹۴.

۳. بقره (۲): ۲۵۶؛ المیزان، ج ۲، ص ۳۴۷؛ یونس (۱۰): ۹۹.



بر مبنای «مرتکبات اولیه بشری»، یعنی همان چه که انسان به واسطه انسان بودنش می‌فهمد، ممنوع شناخته می‌شود.

۴. اصل رفتار انسانی

۴-۱. اصل رفتار انسانی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

یکی از اصول مهمی که نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت رفتار با قربانیان مخاصمات مسلحانه دارد، اصل «رفتار انسانی»^{۲۲} است. این اصل که می‌توان گفت از اصول کلی مشترک حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه است در اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، از مقررات لاهه تا ژنو، با تعابیری نسبتاً مشابه مورد تأکید قرار گرفته است. ماده (۴) مقررات منضم به کنوانسیون چهارم لاهه (۱۸ اکتبر ۱۹۰۷) ناظر بر قوانین و رسوم جنگ زمینی، با اعلام این که زندانیان جنگی تحت اختیار دولت متخاصم هستند و نه اشخاص یا گروه‌های دستگیرکننده، مقرر می‌دارد که «باید با آنها رفتاری انسان دوستانه داشت»؛ ماده (۱۳) کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) نیز به بیان این اصل اختصاص یافته، با این تعبیر که «با اسیران جنگی باید در هر زمان به نحو انسانی رفتار شود» و برخی موارد بارز رفتار غیرانسانی را مصداق نقض فاحش کنوانسیون دانسته که موجب مسئولیت کیفری بین‌المللی عاملان آن خواهد بود. ماده (۲۰) این کنوانسیون هم در باره تخلیه اسرا تأکید کرده که باید همیشه به نحو انسانی و در شرایطی نظیر شرایط نقل و انتقال قوای دولت دستگیر یا بازداشت‌کننده صورت گیرد. رفتار انسانی اصلی بنیادی است که کنوانسیون سوم ژنو را تحت تأثیر خود دارد و همواره لازم‌الرعایه است و کنوانسیون باید به نحوی تفسیر و اجرا گردد که رفاه زندانیان جنگی را تامین کند (Preston, 2015:516). کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) نیز، علاوه بر این که در ماده (۲۷) به طور کلی رفتار انسانی را با اشخاص مورد حمایت در هر زمان لازم شمرده و با زبانی مشابه منابع قبلی حمایت از آنها را در برابر برخی مصادیق آشکار برخورد غیر انسانی لازم دانسته است، در ماده (۳۷) به طور خاص در باره اشخاص





مورد حمایت کنوانسیون که در بازداشت موقت یا در دوره تحمل مجازاتی متضمن محرومیت از آزادی بسر می‌برند، بر لزوم رفتار انسانی تاکید کرده است. پروتکل اول (۱۹۷۷) الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹)، در ماده (۷۵) اصل رفتار انسانی را اصل عامی تلقی کرده که نسبت به اشخاص مورد حمایت در هر شرایطی اعمال می‌گردد.

اصل رفتار انسانی را صریح‌تر از همه می‌توان در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مشاهده کرد که بخش (۲) خود را با عنوان «رفتار انسانی» به این موضوع اختصاص داده است. این بخش که شامل مواد (۴)، (۵) و (۶) است، هسته مرکزی این پروتکل را تشکیل می‌دهد. این پروتکل که تنها سند خاص مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است و به واقع تفسیر موثق ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است، در بند (۱) ماده (۴) چنین اعلام می‌دارد: «همه افرادی که در درگیری‌ها شرکت مستقیم نداشته یا شرکت آنان در درگیری‌ها خاتمه یافته است، چه آزادی‌شان محدود شده یا نشده باشد، استحقاق دارند که شخصیت، عقاید و شعائر مذهبی‌شان محترم شمرده شود و در هر شرایطی باید از رفتار انسانی، بدون هیچ گونه تبعیض ناروا، بهره‌مند باشند...». ماده (۵) این پروتکل، مقرراتی را به عنوان حداقل الزامات برای اشخاصی که به دلایل مربوط به جنگ از آزادی محروم شده‌اند اعم از این که بازداشت یا زندانی شده باشند، پیش‌بینی کرده است. رعایت اصل رفتار انسانی با غیر نظامیان و اشخاصی که سلاح بر زمین نهاده‌اند در مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه (قاعده ۸۷)، نیز لازم شمرده شده است (Henckaerts, 2005:206).

با تامل در مقررات مورد اشاره در اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه راجع به اصل رفتار انسانی، و مقرراتی که در راستای این اصل حمایت‌های لازم را پیش‌بینی کرده، به ویژه مواد (۲۰)، (۲۳)، (۲۵)، (۴۶)، (۵۲) و (۸۲) کنوانسیون سوم، می‌توان گفت روح این اصل عبارت از این است که «اسیران جنگی در کلیه موارد به جز آزادی خروج از اردوگاه از همان رفتار انسانی برخوردارند که نیروهای مسلح کشور اسیرکننده» (Reuter, 1973: 22) و همین مفهوم را در باره افراد غیر نظامی، که در ارتباط با مخاصمه مسلحانه آزادی‌شان





سلب یا محدود شده است، از مفاد مقررات کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل دوم الحاقی می‌توان استنباط کرد که این اشخاص در کلیه موارد به جز آزادی خروج از بازداشتگاه از همان رفتار انسانی مساعد سایر افراد غیرنظامی برخوردار خواهند بود.^{۳۳} منظور از رفتار انسانی همان رفتار مطابق با هنجارهای حقوق بشری است، جز مواردی که به اقتضای «اضطرار عمومی»^{۳۴} ناشی از شرایط جنگی قابل تعلیق باشد.

۴-۲. اصل رفتار انسانی در تعالیم اسلام

اگر روح اصل رفتار انسانی را، همان گونه که اشاره شد، در این بدانیم که با اسیر و بازداشت شده و سایر افراد دشمن، باید همانند نیروها و افراد خودی رفتار شود، باید اذعان داشت که این اصل در آموزه‌های متعالی اسلام نمود آشکار و فراوانی داشته است و همواره مورد توصیه و تاکید پیامبر گرامی و امامان معصوم بوده و مبنای فتاوی برخی فقیهان نامدار قرار گرفته است. اسلام طرفدار خوش رفتاری با اسرا است، تاریخ هرگز جنگ‌جویانی مهربان‌تر از مسلمانان صدر اسلام نسبت به اسیران سراغ ندارد. متون دینی بی‌شماری به خوش رفتاری فرمان می‌دهند.^{۳۵} در تاریخ ادیان و مذاهب برای نخستین بار اسلام بود که رفتار محبت آمیز و مراقبت نسبت به اسیران را اتخاذ کرد و مقرر کرد که از اسیر باید نگهداری شود و جراحاتش مداوا گردد و این قرن‌ها پیش از کنوانسیون‌های ژنو و در نظام‌های حقوقی بی‌سابقه بود.

در جنگ بدر عده‌ای از افراد دشمن اسیر سپاه اسلام شدند که از سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر بودند و طی حدود ۱۴ سال از هیچ بی‌رحمی نسبت به آن حضرت و مسلمانان کوتاهی نکرده بودند. در حالی که در آن زمان کشتن اسیر و یا به غلامی گرفتن امری مجاز شناخته می‌شد، ولی پیامبر امر فرمود که با اسیران با مهمان نوازی رفتار شود. یکی از

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک.: Michael Bothe, Karl Jose Partsch, Waldemar A. Solf, (2013), New Rules for Victims of Armed Conflicts, Commentary on the Two 1977 Protocols Additional to the Geneva Conventions of 1949, pp.727-748.

2. Public Emergency

3. Islamic Research Foundation International Inc, (2009), War Ethics in Islam: Prisoners of War, available at: http://irfi.org/articles_4...0islamhtml.htm

۴. برای نمونه ر.ک.: وهبه مصطفی زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ص ۱۷-۱۶ دمشق ۱۴۱۹/۱۹۹۸.





اسیران بدر در سال‌های بعد چنین گفته است که: خدا به مردم مدینه خیر و برکت ارزانی دارد، در حالی که ما را اسیر کرده بودند، خود پیاده می‌رفتند و ما را بر مرکب‌های خود سوار می‌کردند، نیز نان گندمی را که داشتند قناعت می‌کردند و به ما می‌دادند (مکارم و دیگران، ۱۳۷۳: ۲۴۳؛ ۲۵، ۴).

اساس اندیشه اسلام و مسلمانان به ویژه در صدر اسلام بر پایه برابری و برادری و محبت و احترام به حقوق انسان‌ها بوده است. برخورد انسانی و اخلاقی با اسیر و رعایت عواطف و احساسات او و جریحه‌دار نکردن آن اهمیت ویژه‌ای داشته است. امام علی (ع) به فرزندش ابوحنیفه سفارش فرمود که: «ای فرزندم با اسیرت مهربانی کن و بر او رحم آور و به نیکویی رفتار کن» (احمدی میانجی، ۱۳۸۷: ۳۰۴) در صفین معاویه ناچار شد به واسطه برخورد انسانی امام علی (ع) با اسیران شامی، اسرای کوفی را آزاد کند (شیخ مفید، بی تا: ۲۴۶-۲۴۳؛ قائدان، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۱۵).

بنابراین، همان‌گونه که یوسف قرضاوی، فقیه برجسته اهل سنت اذعان داشته «عملکرد برخی مسلمانان که دیدگاه محدودی دارند، یا به درستی تربیت نشده‌اند نباید به حساب اسلام نوشته شود... اینان اسلام را جانوری نشان می‌دهند که دندانهایش را به قصد دریدن مردم تیز کرده است... درحالی که عنوان و نشان شایسته این دین «رحمت» و «مهربانی» است» (قرضاوی، ۱۳۹۴)، و به این آیه شریفه استناد می‌کند که فرمود «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^{۲۷} نمود عینی این آموزه‌های متعالی اسلام را در دوران معاصر در تاکیدهای امام خمینی (ره) می‌بینیم که در باره اسرای عراقی که طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به دست رزمندگان مسلمان ایران اسیر شدند فرمود: «ما مثل برادرهای خودمان با آنها رفتار کرده‌ایم، در صورتی که اسرای که آنها از ما گرفتند تحت شکنجه هستند» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۴: ۶۸).

این توصیه‌ها و تاکیدها نسبت به نیک رفتاری با اسیران و افراد دشمن، مصداق آموزه بسیار بنیادی در نظام ارزشی اسلام است که امام علی (ع)، در نامه‌ای به فرزندش امام حسن





(ع)، توصیه فرمودند با این مضمون که: «ای فرزندم! میان خویش و دیگری خود را میزان قرارده، پس آنچه برای خود دوست می‌داری برای غیر خود نیز دوست بدار و آنچه برای خویش نمی‌پسندی برای دیگری هم می‌پسند؛ ستم مکن چنانکه دوست نداری بر تو ستم رود؛ نیکی کن همان‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند؛ زشت بدان از خود آن رفتاری را که از دیگران زشت می‌پنداری؛ ...»^۸ بنابراین در رفتار با دیگران به ویژه کسانی که در دست ما اسیرند یا افرادی از دشمن که در اختیار ما هستند، توهین و تحقیر نمی‌کنیم چون دوست نداریم اگر اسیر دشمن شدیم توهین و تحقیر شویم؛ ظلم نمی‌کنیم زیرا دوست نداریم مورد ظلم قرارگیریم؛ و با اسیران و بازداشت شدگان و افراد دشمن رفتار انسانی پیشه می‌کنیم همان‌گونه که دوست داریم با ما و افراد ما رفتار انسانی در پیش گرفته شود.

۵. اصل منع اعمال تلافی جویانه و مقابله به مثل

۵-۱. اعمال تلافی جویانه و مقابله به مثل در حقوق بین الملل بشر دوستانه

در اصطلاح حقوق بین‌الملل «اعمال تلافی جویانه»^۹ به اقدامات کمتر از جنگ گفته می‌شود که توسط دولتی علیه دولت دیگر به تلافی اعمال متخلفانه آن دولت و به عنوان وسیله‌ای برای وادار کردن آن به توقف عمل خلاف و جبران خسارت به عمل می‌آید، گفتنی است اعمال تلافی جویانه فی‌نفسه غیرقانونی بوده و تنها در مقابل عمل متخلفانه دشمن مجاز شمرده می‌شود، آن هم به شرطی که شامل استفاده از زور نبوده و پس از ردّ درخواست جبران خسارت از سوی طرف مقابل و متناسب با لطامات و خسارات وارده صورت گرفته باشد (بلدسو بوسچک، ۱۳۹۲: ۵۰۱-۴۹۹). اصطلاح «مقابله به مثل»^{۱۰} به اعمال فی‌نفسه قانونی و مشروع و در عین حال خصمانه عمدی گفته می‌شود که توسط دولتی علیه دولت دیگر به تلافی عمل خصمانه و عمدی آن، با هدف وادار کردنش به تغییر



۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

2. Reprisal
3. Retortion



رفتار غیردوستانه خود، اتخاذ می‌شود. (بلدسوبوسچک، ۱۳۹۲: ۵۰۱-۵۰۲؛ Shaw, 2008: 1128-1130).

ماده (۵۰) طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی، تعهداتی را مشخص می‌کند که التزام به آنها نمی‌تواند با توسل به اقدامات متقابل مخدوش گردد. قسمت (ج) بند یک ماده (۵۰) برسیاق بند (۵) ماده (۶۰) کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) تنظیم شده است. منع اصولی اقدامات تلافی جویانه علیه افراد و گروه‌های مورد حمایت در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به ویژه طبق کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از اسیران جنگی (۱۹۲۹) و کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل اول (۱۹۷۷) راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، به نحو گسترده‌ای مورد پذیرش واقع شده است.

دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در تایید رای خود مبنی بر وجود قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل بر منع اقدامات تلافی جویانه علیه غیرنظامیان و حقوق بنیادین افراد بشری به بند (د) ماده (۵۰) در طرح اولیه کمیسیون حقوق بین‌الملل استناد کرده است (Parsch, 2000:200; ICTY, 2000, Para.529). دیوان ضمن تایید نظر کمیسیون مبنی بر ممنوعیت هرگونه عمل تلافی جویانه در مخاصمات غیربین‌المللی براساس ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، مفاد این ماده را حاوی ارزشی عام دانسته که استانداردهای بنیادی قابل اعمال در مخاصمات بین‌المللی و داخلی را دربر می‌گیرد (ICTY, 2000, Para. 534). کمیسیون دعاوی اریتره-اتیوپی نیز در دعاوی مربوط به اسیران جنگی در بخشی از رای ۲۰۰۳ خود استدلال اریتره را مبنی بر این که اقدام اتیوپی به تعلیق مبادله اسرا به عنوان اقدامی متقابل تحت حقوق مسئولیت دولت قابل توجیه نیست، دارای مبنایی کاملاً حقوقی می‌داند. (Eritrea- Ethiopia, 2003:159-160). بنابراین، اصل منع اعمال تلافی جویانه و مقابله به مثل در تعهدات مربوط به حمایت از اسرای جنگی و غیرنظامیان اعم از این که آزادی شان سلب یا محدود شده و یا نشده باشد، از اصول عام پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.





۵-۲. اعمال تلافی جویانه و مقابله به مثل در شریعت اسلام.

اصل مقابله به مثل که از فطرت و طبیعت و ضمیر آدمی سرچشمه می گیرد و بنای عقلا نیز بر جریان طبیعی آن صحه نهاده است، مورد تأیید و تجویز شریعت اسلام واقع شده است و مهم ترین کارکرد آن جلوگیری از تجاوز، خشونت و پیشگیری از تکرار آن است. یکی از آیاتی که صراحت در تجویز مقابله به مثل دارد آیه ۱۹۴ سوره بقره است. این آیه شریفه اجازه مقابله به مثل را اعم از قهری و غیر قهری در مقابله با تجاوز به مسلمانان می دهد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۹۲). بدیهی است منظور از مقابله به مثل قهری، با توجه به تاکید قرآن کریم بر نهی از هرگونه ظلم و تعدی، در واقع همان دفاع مشروع است. آیات دیگری مانند آیه ۴۰ سوره شوری و ۱۲۶ سوره نحل بر جواز مقابله به مثل تصریح دارند و آن را مفید به رعایت انصاف و تناسب با تعدی دشمن نموده (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۸؛ فخررازی، ۱۳۸۶: ۱۵۳)، البته بردباری و بخشش را بعد از غلبه بر دشمنی که مرتکب ستم و تجاوز شده، مورد توصیه قرار داده اند. روایاتی چند نیز اصل مقابله به مثل را مورد اشاره قرار داده اند از جمله این که از امام علی (ع) نقل شده که فرمودند: «سنگ را به همانجا که آمده است بازگردانید، زیرا بدی را جز بدی دفع نمی کند».

اولاً، از نظر اسلام مقابله و تلافی نوعی قصاص علیه متخلف و متجاوز محسوب می شود، بنابراین، چنانچه دشمن با اسیرانی که از مسلمانان گرفته، یا مسلمانان سرزمینی که به اشغال خود درآورده، سوء رفتار داشته و به حقوق آنان تعدی کند، مقابله و تلافی وقتی ممکن است که علیه عاملان این سوء رفتار اعمال گردد نه علیه افرادی که اسیر شده یا غیرنظامیانی که در اختیار مسلمانان هستند، زیرا آن تعدی و تجاوز از اینان سر نزده است. سوالی که مطرح می شود این است که آیا در شریعت اسلام توسل به معامله به مثل و اقدام تلافی جویانه علیه اسیران جنگی و افراد دشمن که در اختیار مسلمانان هستند مجاز

پایان بخش حقوق اسلام و غرب سال ۱۴۰۰ - بهار - ششم



۱. "... فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ." پس هر که به شما تعدی کرد با او مقابله به مثل کنید و از خدا پروا داشته باشید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.
۲. «رُدُّو الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»، نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۲۵.



است؟ ممکن است تصور شود چون در گذشته توسل به مقابله به مثل و اعمال تلافی جویانه حتی مطلق تلقی می شده و حتی تا جنگ جهانی اول هیچ محدودیتی نداشته، فتاوی برخی فقیهان در رفتار با اسرای جنگی مبنی بر جواز کشتن یا به بردگی گرفتن نیز متأثر از رویه های مبتنی بر مقابله به مثل و تلافی جویی رایج در آن زمان بوده که اسلام هم مخالفتی با آن نکرده است. اما با تأمل در مفهوم مقابله به مثل، به ویژه از نگاه اسلام و مبانی ارزشی و اصول اخلاقی آن و نیز تدبر در مدلول ادله قرآنی و روایی و سیره پیامبر اعظم و ائمه معصومین، آشکار می گردد که اسلام هرگز اجازه اعمال تلافی جویانه و مقابله به مثل را در رفتار با اسیران جنگی و افراد دشمن که در اختیار مسلمانان قرار گرفته اند، نمی دهد.

ثانیاً، در اغلب آیاتی که مقابله به مثل را تجویز نموده اند بر فضیلت و برتری اخلاقی عفو و اجتناب از انتقام تأکید شده و افراد ستم دیده که قدرت انتقام یافته اند را به طلب اجر و پاداش صابران، با خودداری از تلافی جویی و مقابله، ترغیب می کنند.^{۳۳} روایات نیز همواره عفو و بخشش را به عنوان یک اصل مورد توصیه قرار داده اند، برای نمونه می توان اشاره کرد به حدیثی از امام سجاده (ع)، که در تعبیر بسیار زیبایی بخشش را حق کسی دانسته اند که به شما بدی کرده است، مگر جایی که معلوم شود عفو زیانبار است (العروسی الحویزی، ۱۳۸۳: ۵۸۵). تعبیر زیانبار بودن عفو شاید اشاره به مواردی دارد که بخشش موجب سوءاستفاده و تجری خصم می گردد. ثالثاً، همان گونه که در مباحث پیشین گذشت، سیره و ادله شرعی متعددی دلالت بر لزوم رفتار انسانی و احسان و نیکی نسبت به اسیران دارد، بی آن که مقید به شرط رفتار متقابل شده و یا اجازه هیچ گونه مقابله به مثل و عمل تلافی جویانه را داده باشد.

بالاخره این که، دلایل، قرائن و شواهدی وجود دارد که نشان می دهد در شریعت اسلام هرگونه رفتار متقابل منفی و انتقام جویی حتی در میدان نبرد پس از غلبه بردشمن نکوهیده و نهی شده است، چه رسد به افراد غیررزمنده و کسانی که اسیر و تسلیم شده و در اختیار مسلمانان قراردارند. علامه حلی بر این رای است که اگر اهل بغی اسرای اهل





عدل را بکشند، کشتن اسیران اهل بغی به عنوان مقابله به مثل جایز نیست، زیرا کشتندگان غیر از اسیران هستند و اینان بخاطر جنایت دیگران کشته نمی‌شوند (حلی، ۱۴۱۴: ۴۲۴؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۷۲) و این حکم را مستند به آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^{۳۴} کرده است، (حلی، ۱۴۱۴: ۹۸۸) که به بیان محقق اردبیلی دلالت دارد بر این که، کسی را بخاطر گناه دیگری مؤاخذه نمی‌کنند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۰: ۶۸۲). البته علامه این امر را در صورتی که مرکزیت و اردوگاه نظامی دشمن برقرار باشد، جایز نمی‌شمرد (حلی، ۱۴۱۴: ۹۸۸؛ حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۴). لیکن زبان برخی روایات (نوری، ۱۴۰۸: ۵۵) و رأی بعضی فقیهان (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۷۲) دلالت دارد بر این که در چنین فرضی هم کشتن اسرای دشمن در مقام مقابله به مثل جایز نیست، و به تعبیری «حتی اگر دشمن اسیران جنگی را گرسنه نگه دارد و یا آنان را آنقدر تشنگی بدهد که از شدت عطش بمیرند، سپاه و لشکر تقوا هرگز به چنین عملی با دشمن رضایت نخواهد داد.» (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۱۸۲). در احکام، فرامین و توصیه‌های امام خمینی (ره)، که هم فقیهی توانا و هم رهبر و فرمانده کل قوا بود، خطاب به فرماندهان، رزمندگان و ملت مسلمان ایران طی هشت سال دفاع مقدس در برابر جنگ تجاوزکارانه رژیم دیکتاتور عراق به رهبری صدام حسین، همواره بر منع اعمال تلافی‌جویانه و مقابله به مثل چه در مقابل حملات موشکی و بمباران‌های هوایی دشمن به شهرها و مناطق غیرنظامی و چه در رفتار با اسیران عراقی، تصریح شده است (موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸: ۲۱۲ و ج ۱۳: ۲۴۷ و ۲۹۸).

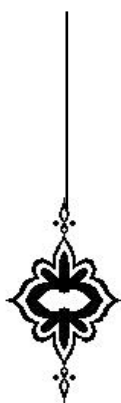
۶. اصل منع اعراض از حق

۶-۱. منع اعراض از حق در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

یکی از عواملی که می‌تواند زمینه سوءاستفاده از قدرت را در رفتار با غیرنظامیان، اسیران و بازداشت شدگان و نقض حقوق آنان فراهم آورد، امکان اعراض این افراد از حقوق خود است. از آنجا که این افراد در دست دولت متخاصم یا اشغالگر گرفتارند



۱. «هیچ گناه کاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد»، زُمر (۳۹): ۷.



هرآینه ممکن است تحت فشار و اکراه و اجبار، اعلام اعراض از حق نموده یا از مطالبه و احقاق حق خویش اغماض کنند، در چنین شرایطی تضمین حقوق و حمایت‌های این افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر با چالش جدی مواجه خواهد شد. از این روی، به منظور پیشگیری از چنین مخاطره‌ای، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه حقوق اسیران و غیرنظامیانی که در اختیار طرف متخاصم قرار دارند را غیر قابل اعراض و اغماض دانسته‌اند. صریح‌ترین حکم را در این زمینه ماده (۷) کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) در باره رفتار با اسیران جنگی مقرر داشته که می‌گوید: «اسیران جنگی نمی‌توانند در هیچ شرایطی از تمام یا بخشی از حقوقی که به موجب این عهدنامه یا احیانا به موجب موافقتنامه‌های اختصاصی مذکور در ماده قبل در باره آنان پیش‌بینی شده است صرف نظر کنند.» همین حکم را کنوانسیون چهارم با ادبیاتی مشابه در ماده (۸) خود مقرر کرده است. پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) نیز در بند (۲) ماده (۱۱) به طور خاص انجام برخی اعمال را، علیه افراد مورد حمایت که در اختیار طرف متخاصم هستند، حتی با رضایت آنان ممنوع اعلام کرده است.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، ماهیت و هدف حمایت‌های در نظر گرفته شده برای قربانیان مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به واقع تضمین حقوق انسانی آنهاست؛ همان حق‌هایی که در مقررات بین‌المللی حقوق بشر برای همه افراد انسانی به رسمیت شناخته شده و غیرقابل انکار، انتقال و تعلیق دانسته شده است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه در پی حمایت و تضمین حقوقی است که رزمندگان و غیررزمندگان به عنوان افراد انسانی در هر شرایطی حتی در حین مخاصمات مسلحانه استحقاق آن را دارند. اهمیت و حساسیت موضوع در باره اسیران و بازداشت شدگان در مخاصمه مسلحانه، ناشی از زمینه سوءاستفاده از دو جهت است: یکی بخاطر امکان تعلیق برخی حقوق بشری در زمان جنگ به استناد شرایط اضطرار عمومی، وفق ماده (۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و دیگری به واسطه آسیب‌پذیری فوق‌العاده‌ی افرادی که به عنوان اسیر جنگی یا غیرنظامی بازداشت شده در دست هریک از طرفهای مخاصمه قرار گرفته‌اند. از این رو حتی اگر در مواردی یا براساس برخی تعاریف و رویکردها درباره مفهوم حق و حقوق بشر امکان



اعراض یا اغماض از حق پذیرفتنی باشد، در شرایط مخاصمه و در باره اسیر جنگی و افراد در اختیار دشمن، به سبب افزایش فوق العاده خطر سوء استفاده قابل پذیرش نخواهد بود.

۶-۲. اعراض ناپذیری حق در شریعت اسلام

ممکن است تصور شود، براساس تعریفی که از مفهوم حق در دیدگاه اغلب فقیهان ارائه شده است، حقوق حمایتی قربانیان جنگ از نظر فقهی قابل اسقاط و اعراض است! در نگاه اندیشمندان و فقیهان اسلامی حق اغلب به سلطنت معنا شده و از این آیه شریفه اقتباس گردیده که فرمود: «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا». فقهای بزرگی همچون شهید اول (شهید اول، بی تا: ۴۳)، شیخ انصاری (شیخ انصاری، ۱۴۱۰: ۲۲۸)، محقق اصفهانی (غروی اصفهانی، ۱۴۲۵: ۵۱) و میرزای نائینی (الآملی، ۱۴۱۳: ۹۲) از قابلیت اسقاط حق به عنوان یک قاعده فقهی یاد کرده اند و بلکه آن را قاعده ای عقلی دانسته اند. به تعبیر نائینی حقیقت حق همان سلطنت بر شیء است، یعنی زمام آن به دست صاحب حق است به گونه ای که قدرت بر اعمال و اسقاط را داشته باشد.

البته برخی دانشیان فقه حق ها را به دو دسته قابل اسقاط و غیر قابل اسقاط تقسیم کرده اند (یزدی، بی تا: ۵۴)، لیکن بر ایشان اشکال شده که آنچه غیر قابل اسقاط است حکم است نه حق، زیرا قوام حق به قابلیت اسقاط آن است (خوانساری، ۱۴۲۴: ۱۰۸-۱۰۷). کاربرد دو واژه حق و حکم در ادبیات فقهی متفاوت بوده است، به گونه ای که گاه حق در معنای عام به کار رفته و شامل حکم نیز شده و گاه حکم در دو معنا به کار رفته که در معنای عام شامل حق هم می شود، زیرا حق از احکام وضعی هستند (فروغی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۲). از اینجا معلوم می گردد که، هر آنچه غیر قابل اسقاط و اعراض است حکم تکلیفی شرعی و الهی است و از احکامی که متضمن منفعتی مادی و معنوی این جهانی برای فرد باشد به عنوان حق او یاد می شود.

از این روی، حقوق بنیادین انسان ها از نگاه دینی مستند به احکام تکلیفی شرعی است و غیر قابل اسقاط، غیر قابل نقل و انتقال بوده و حقوق قربانیان مخاصمات مسلحانه نیز در این



۱. «وهر آنکه مظلوم کشته شود پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط قرار دادیم [بر قاتل]»، اسراء (۱۷): ۳۳.



زمره است. بنابراین، اسیر جنگی یا فرد بازداشت شده و در اختیار دشمن مجاز نیست از حقوق خود اعراض کند و مثلاً اجازه دهد که حیات، سلامت، تمامیت جسمی و روحی او و کرامت انسانی‌اش مورد تعرض قرار گیرد، همان‌گونه که خود نیز اجازه ندارد به حیات، سلامت جسمی و روانی خود و تمامیت جسمی و کرامت خویش آسیب وارد کند. درحالی که توجه این ویژگی حق‌های بشری در نظام بین‌الملل حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه و براساس مبانی سکولار و غیردینی، امری دشوار و چالش برانگیز می‌نماید.

نتیجه گیری

پذیرش این واقعیت که جنگ رابطه خصمانه میان دولت‌هاست و نه دشمنی میان انسان‌ها و اتباع دول متخاصم، سبب تحول حقوق جنگ به حقوق بشردوستانه، و منشأ پیدایش اصولی با هدف حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بوده است. برخی از این اصول ناظر به انتخاب شیوه‌ها و ابزارهای جنگی است و بعضی دیگر به طور خاص بر رفتار با قربانیان مخاصمه حاکم است. اصل مصونیت رزمنده از تعقیب کیفری دولت دستگیرکننده او، بخاطر اعمالی که مغایر با قوانین و عرف‌های جنگی نبوده، سنگ بنای همه پیشرفت‌های حقوقی منجر به بهبود وضع قربانیان مخاصمات مسلحانه است. اصل انسانیت شرط حداقل استانداردهای رفتار را تعیین می‌کند و منشأ تعهدات سلبی و بازدارنده بوده و براساس آن نمی‌توان گفت هرآنچه منع نشده لزوماً مجاز است. اصل رفتار انسانی با قربانیان مخاصمات منشأ تعهدات ایجابی است و مقتضی آن است که قربانیان مخاصمه از همه حقوق انسانی خویش برخوردار شوند و اسیران و بازداشت شدگان جنگی جز منع خروج از اردوگاه و محل نگهداری، با هیچ محرومیتی مواجه نباشند. اصل منع رفتار تلافی‌جویانه و مقابله به مثل هم به این مبنا باز می‌گردد که چون جنگ رابطه خصمانه میان دولت‌هاست، تقابل و تلافی نباید افراد انسانی را هدف قرار دهد. وبالاخره، اصل منع اعراض از حق اصل دیگر حاکم بر رفتار با قربانیان جنگ است. از آنجا که افراد قربانی در دست دولت متخاصم یا اشغالگر گرفتارند، هرآینه ممکن است تحت فشار و اکراه و اجبار، اعلام اعراض از حق نموده یا از مطالبه و احقاق حق خویش اغماض کنند، در چنین شرایطی تضمین حقوق این افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر با چالش جدی مواجه خواهد شد. از این روی، به منظور پیشگیری از چنین مخاطره‌ای، قواعد بین‌المللی بشردوستانه حقوق





اسیران و غیرنظامیانی که در اختیار طرف متخاصم قرار دارند را غیر قابل اعراض و اغماض دانسته‌اند.

اما به‌رغم همه این پیشرفت‌های هنجاری، مساله عدم پابندی طرف‌های مخاضمه به این اصول و قواعد و مشکل ضمانت اجرا همچنان مهم‌ترین چالش موجود در پیش روی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به ویژه در رفتار با اسیران و بازداشت شدگان، به شمار می‌رود.

در نگاه اسلام، به‌رغم برخی سطحی‌نگری‌ها، سوء برداشت‌ها و تفکرات انحرافی و رفتارهای افراط‌گرایانه، هدف جنگ تنها دفع تجاوز و مقابله با نظام‌های تجاوزپیشه و ستمگر است و نه تحمیل عقیده و توسعه‌طلبی. اسلام هرگز با ملت‌ها نمی‌جنگد، بنابراین، افراد غیرنظامی دشمن و نیز رزمندگان دستگیر، تسلیم و بازداشت شده در امان و مصونیتند. از سوی دیگر چون اعمال خشونت محدود به حد ضرورت است، هرگونه رفتار خشونت‌آمیز، شکنجه و سوءرفتار با افراد دشمن که در اختیار سپاه اسلام هستند غیرمشروع است. افزون بر این نظر به اهداف عالیه اسلام که هدایت و احیای آحاد بشر به حیات متعالی انسانی است حسن رفتار و مهرورزی و برخورد مشفقانه و محبت‌آمیز از فرامین اکید در آموزه‌های اسلام است. همچنین از آنجا که بازگشت اعمال تلافی‌جویانه در شریعت اسلام به قصاص است، اصولاً توسل به آن علیه افراد غیرنظامی، اسیران و بازداشت شدگان دشمن فاقد هرگونه وجهت است. و بالاخره با توجه به این که حق‌های بنیادین بشری به لحاظ فقهی موضوع احکام الهی هستند، نمی‌توانند مورد اعراض از سوی صاحب حق قرار گیرند.

جایگاه اصول حاکم بر رفتار با قربانیان جنگ در اسلام، دست کم از دو جهت متمایز از آن در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است: نخست این که اصول یادشده ریشه در مبانی کلامی و فقهی اسلام دارد، حال آن که توجیه منطقی برخی از این اصول مانند منع اعراض از حق در حقوق بین‌الملل و براساس مبانی سکولار و این جهانی با چالش مواجه است؛ دیگر این که اسلام پیروان خود را به رعایت این اصول به مثابه نماد بارز تقوای الهی فرمان می‌دهد. بدیهی است، تحصیل درجات عالی تقوی در مسلمانان آنها را به رفتاری والاتر از آنچه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقرر شده رهنمون ساخته و رعایت آن را تضمین می‌کند و سیره عملی پیشوایان اسلام و مسلمانان نیز در جنگ‌های صدر اسلام و در برخی





دوره‌های بعدی موید این ادعاست. این در حالی است که حقوق بین الملل بشردوستانه به رغم توسعه یافتگی هنجارین، به لحاظ اجرایی با چالش جدی روبرو است.

منابع:

- (۱) ابراهیمی، محمد، ۱۳۹۲ش، «نگاهی تطبیقی به حقوق اسیران در حقوق بین الملل و اسلام»، در: اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه، جمعی از نویسندگان، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی، با همکاری نشر میزان، چ ۱.
- (۲) ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۴.
- (۳) احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۷ش، اسیر در اسلام، ترجمه محمد احمدی میانجی، تهران، نشر دادگستر.
- (۴) اردبیلی، احمد بن محمد، (مقدس اردبیلی)، ۱۴۰۰ق، زبده البیان فی براهین احکام القرآن، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- (۵) انصاری، مرتضی (شیخ انصاری)، ۱۴۱۰ق، کتاب المکاسب، بیروت، موسسه النعمان.
- (۶) الآملی، محمدتقی، ۱۴۱۳ق، المکاسب و البیع، تقریرات میرزای نائینی، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- (۷) بوسچک، رابرت بلدسو، ۱۳۷۵ش، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه بهمن آقایی، گنج دانش، چ ۱.
- (۸) جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳ش، جنگ و صلح در اسلام، پژوهشکده علوم انسانی امام صادق علیه السلام، چ ۱.
- (۹) الحر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۸۹ق، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱۱.
- (۱۰) حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ق، تذکره الفقهاء، تهران، المکتبه المرتضویه، ج ۹.
- (۱۱) -----، ۱۳۸۰ق، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، موسسه الامام الصادق، ج ۲.
- (۱۲) خوانساری، آقاموسی، ۱۴۲۴ق، منیه الطالب فی شرح المکاسب، تقریرات میرزای نائینی، موسسه النشر الاسلامی، چ ۲.
- (۱۳) روسو، ژان ژاک، ۱۳۴۵ش، قرارداد اجتماعی، ترجمه عنایت الله شکبیا پور، تهران، مطبوعاتی فرخی.





- (۱۴) زحیلی، وهبه، ۲۰۰۵م، اسلام و حقوق بشر دوستانه، مجله بین المللی صلیب سرخ، ش ۸۵۸
- (۱۵) شهیداول، بی تا، القواعد و الفوائد، تحقیق دکتر عبدالهادی حکیم، منشورات مکتبه المفید.
- (۱۶) ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۶۶ش، «حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی»، مجله حقوقی، ش ۸.
- (۱۷) طباطبایی (علامه)، محمدحسین، ۱۳۸۳ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۲۱، ۱۴.
- (۱۸) طباطبائی بروجردی، سیدحسین، ۱۳۹۹ق، جامع احادیث الشیعه، قم، المطبعه العلمیه، ج ۱۳.
- (۱۹) طبری، محمد بن جریر، بی تا، تاریخ طبری، ج ۲.
- (۲۰) طوسی، ۱۳۸۷ق، المبسوط فی فقه الامامیه، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ج ۲، ج ۷.
- (۲۱) عاملی، سید مرتضی، ۱۴۲۶، الصحیح من سیره النبی الاعظم، دارالحديث، ج ۳.
- (۲۲) العروسی الحویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۳۸۳ق، تفسیر نورالثقلین، المطبعه العلمیه، ج ۴.
- (۲۳) عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۳ش، فقه سیاسی، اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه، تهران، امیرکبیر، ج ۶.
- (۲۴) غروی اصفهانی، محمد حسین (کمپانی)، ۱۴۲۵ق، حاشیه کتاب المکاسب، قم، پایه دانش، چ ۱.
- (۲۵) فخر رازی، ۱۳۸۶ش، التفسیر الکبیر، تهران، اساطیر، ج ۲۷.
- (۲۶) فروغی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۰ش، نظریه حق در فقه و حقوق موضوعه، رساله دکتری به راهنمایی مصطفی محقق داماد، دانشگاه شهید مطهری.
- (۲۷) فیشر، هورست، ۱۳۹۲ش، «حمایت از اسیران جنگی»، ترجمه میر شهیز شافع، در: دیتر فلک (ویرایش)، حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه، گروه مترجمان، ویراسته سیدقاسم زمانی و نادر ساعد، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چ ۳.



(۳۷) یزدی، سید محمد کاظم، بی تا، حاشیه بر مکاسب، ج ۱.

- 38) Arneson, Richard J., (2006), "Just Warfare theory and Noncombatant immunity", *Cornell International Law Journal*, vol. 39, Issue 3, pp.662-688.
- 39) Bothe, Michael; Karl Jose Partsch; Waldermar A. Solf, (2013), *New Rules for Victims of Armed Conflicts, Commentary on the Two 1977 Protocols Additional to the Geneva Conventions of 1949*.
- 40) Eritrea-Ethiopia Claims Commission, (2003), *Prisoners of War, Eritrea's Claim 17, Partial Award*, 1 July.
- 41) Gasser, Hans-Peter, (1993), "International Humanitarian Law: an Introduction", Henry Dunant Institute, Geneva / Paul Haupt Publishers, Bern, Updated by the author in 1998. Also available at: <http://www.icrc.org> (international humanitarian law)
- 42) Henckaerts, Jean-Marie, Louise Doswald-Beck, (2009), *Customary International Humanitarian law, Volume 1: Rules*, ICRC, Cambridge.

- 43) ICJ. (1949), Corfu Channel Case (UK v. Alb.), Merits, Rep. 4, 22, Apr.9
- 44) ICJ. (1986), Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nica. v. US), Merits, Rep. 14, 113-114.
- 45) ICJ. (1996), Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, Rep. 226, (July 8), Shahabuddeen J. Dissenting opinion.
- 46) ICTY, (1996), Prosecutor v. Matric', Review of the Indictment Pursuant to Rule 61, No. IT-95-II-R61, para. 113.
- 47) Inter-Am. Comm'n H. R., (2002), Report on Terrorism and Human Rights, OEA/Ser.L/V/II.116/, doc. 5 rev, 68-70
- 48) J.- M. Henckaerts, J-M., (2005), " Study on customary international humanitarian law", International Review of the Red Cross, Volume 87 Number 857 March.
- 49) Melzer, Nils, (Coordinated by Etienne Kuster), (2016), International Humanitarian Law, A Comprehensive Introduction, ICRC, Switzerland.
- 50) Meron, Teodor, (2000), "Martens Clause, Principles of Humanity and Dictates of Public Conscience", American Journal of International aw, 94.
- 51) Partsch, K. J., (2000), "Reprisals", Encyclopedia of Public International Law, R. Bernhardt, ed. (Amsterdam, Elsevier), vol. 4.
- 52) Poul Reuter, (1973), Droit International Public, The'mis, 4e ed, w. 377
- 53) Preston, Stephen W., (June 2015), Law of War Manual, Office of General Counsel of the Department of Defense, The Department of Defense, Washington DC. United States of America.
- 54) R.I.A.A, (1928), Responsabilite' de l'Allemagne a' raison des dommages Cause's dans les Colnies Portugaises du sud de (2008), l'Afrique, 2. 1013, 1026.
- 55) Secretary-General Report, (1993), Pursuant to paragraph 2 of Security Council Resolution 808(1993), Para.48 n.9, UNDoc.S/25704(1993), reprinted in 32 ILM 1163, 1191.
- 56) Shaw, Malcolm N, (2008), International Law, Cambridge university Press, Sixth Edition.
- 57) Walzer, Michael, (1977), Just and Unjust Wars, (1977), for an excellent contemporary statement of just war theory.

